

کتاب یوئیل

پیشگفتار

کتابی معماگونه

تاریخ نگار نوشته های کتاب مقدس که در پی روشن ساختن چارچوب انسانی «مکاشفه» و شناخت بهتر شرایط خاصی است که این مکاشفه در آن بسط یافته، در خصوص کتاب یوئیل ناگزیر است به اکتفا به فرضیه هایی که در مورد هیچ یک اتفاق آراء وجود ندارد. این فرضیه ها مربوط می شود به ساختار کتاب، جایگاهش در حیات قوم برگزیده (به عبارت دیگر، سبک ادبی اش) شخص نگارنده و تاریخ نگارش آن.

الف) ساختار کتاب. برای چهار فصل این کتاب، چندین طرح پیشنهاد شده است. عده ای از مفسران کتاب را به دو بخش تقسیم می کنند و بر این عقیده اند که به این وسیله، در دو فصل اول طرحی منسجم را نمایان می سازند که آنها را تبدیل به اثری ادبی کم و بیش یکپارچه می کند؛ به عبارت دیگر، آن را نوعی آیین نیایش یا سرودی می پندارند که شامل این موارد می گردد: توصیف بلا، و دعوت عاجل خطاب به اقشار مختلف مردم برای برگزاری آیین های فروتنی در مقابل خدا، و بالاخره اعلام فیض. طبق نظر این عده، فصل های ۳ و ۴ شامل مجموعه ای از وحی های متأخر می گردد که به یکدیگر ارتباطی ندارند و به سبکی «مکاشفه ای» از

نوع پسین آن نوشته شده است. این فرضیه گرچه جذاب می نماید، اما رضایت همه مفسران را تأمین نمی کند، به خصوص اینکه انسجام درونی دو فصل اول به هیچ وجه ثابت نشده است؛ در این دو فصل، سه یا چهار توصیف متضاد در مورد بلا می یابیم (۱:۴، ۵-۱۲، ۱۵-۲۰؛ ۲:۱-۱۱)؛ دعوت به روزه دو بار در بخش های مختلف تکرار شده (۱:۱۳-۱۴ و ۲:۱۵-۱۷) و گویی دعوتی به توبه واقعی که امری متفاوت با آیین فروتنی است، جای این روزه را می گیرد (۲:۱۲-۱۴) این مفسران وقتی نبود توالی منطقی یا آیینی را در عناصر مختلف مشاهده می کنند، این دو فصل اول را همانند دو فصل آخر، همچون مجموعه ای از وحی هایی تلقی می کنند که از همان آغاز از یکدیگر متمایزند. وانگهی، خواننده می تواند تشخیص دهد که ترتیب کلی تمامی این متون، طرحی رایج در نوشته های نبوتی را دنبال می کند: در آغاز، مجموعه ای از وحی هایی قرار دارد که به طور خاص به مصیبت ها می پردازد، اما در ضمن، نجات را برای قوم خدا اعلام می دارد (۱:۲ تا ۳:۵). سپس وحی هایی را می یابیم در علیه ملت های بیگانه (۴:۱-۱۷) و در انتها، وحی ای در زمینه نجات برای یهودا قرار دارد (۴:۱۸-۲۱).

این داده کمکی به ما نمی‌کند. مفسرانی که معتقدند بخش اول کتاب آیین عبادی را تشکیل می‌دهد که در معبد مورد استفاده بود، یا آن را تقلید می‌کند، فکر می‌کنند که یوئیل یکی از انبیای وابسته به قدس بود، یعنی نبی‌ای بود «رسمی» یا «آیینی» نوعی سراینده الهام یافته که در چارچوب مذهبی رسمی، خدمتی آیینی انجام می‌داد. برخی دیگر با مطرح کردن موارد عدم انسجامی که به تصورشان در متن وجود دارد، چنین نتیجه می‌گیرند که نام «یوئیل» به گروهی از انبیا اشاره می‌کند، نه به یک نبی منفرد. برخی دیگر، با تأکید بر این امر که هیچ ضابطه‌ای در دست نیست تا دو بخش کتاب را به نویسندگان مختلف نسبت دهیم، از هر گونه تلاشی برای تعیین هویت نبی چشم می‌پوشند. در هر صورت، مهم آن است که به زیبایی شعر گونه کتاب و عمق مذهبی چهار فصل آن توجه کنیم.

د) تاریخ نگارش کتاب یکی از بحث‌انگیزترین سؤال‌ها است. لازم است این ملاحظات را مد نظر داشته باشیم: نبود هر گونه اشاره‌ای به پادشاهان اورشلیم، و خصوصیت برخی از بخش‌ها که سبکی «مکاشفه‌ای» دارند، بسیاری از مفسران را به این نتیجه رسانده که چهار فصل کتاب، در دوره‌ای بعد از تبعید نوشته شده. اما این ملاحظات به هیچ وجه قطعیت ندارد؛ سبک نیرومند و اغلب برنده، و نیز زبان عبری زنده که هنوز چیزی از پویایی خود را از دست نداده، بیشتر حاکی از دوره‌ای پیش از تبعید می‌باشد. با تجزیه و تحلیل واژگان و اندیشه نویسنده، قرابت چشمگیری را میان آنها با

ب) جایگاه کتاب در حیات قوم برگزیده. برخی بر این عقیده‌اند که در دو فصل نخست کتاب یوئیل، نبی به توصیف رویدادی واقعی می‌پردازد، یعنی رویداد هجوم ملخ‌ها که همچون ابر، آسمان را تاریک می‌سازند و بر زمین هجوم می‌آورند و نباتات را از میان می‌برند. بر اساس این عقیده، نبی از مردم یهودا دعوت می‌کند تا روزی را به سوگواری سپری کنند و آیین‌های روزه ملی را بجا آورند، و این فصل‌ها نوعی آیین عبادی را برای چنین مناسکی را تشکیل می‌دهد، یا دست کم آنکه قویاً الهام یافته از چنین آیینی است. این فرضیه نیز در میان اهل فن مقبولیت عام ندارد. علاوه بر اینکه چنین مناسکی مطلقاً در متن مشاهده نمی‌شود، بلا و مصیبت فقط محدود به هجوم ملخ نمی‌گردد، متن از خشکسالی و حریق ویرانگر و هجومی نظامی سخن می‌گوید، و خصوصاً از «روز یهوه» به علاوه، نمی‌توان با اطمینان گفت که نبی امری واقعی را توصیف می‌کند، یعنی رویدادی ملموس که خودش شاهد عینی آن بوده؛ آنچه احساس می‌شود، بیشتر این است که نبی می‌کوشد به «آن» بلا و فاجعه اشاره کند، به آزمایشی منحصر به فرد؛ و رویداد را به کمک نیروی تداعی کننده گفتارش پدید می‌آورد؛ و این امر در فصل‌های ۳ و ۴ کاملاً آشکار است. اگر از نزدیک نگاه کنیم، تفاوت آشکار میان سبک دو بخش کتاب بیش از پیش رنگ می‌بازد؛ و خواننده از پویایی این نبی که به واسطه قدرت کلامش دنیا را واژگون می‌کند و از نو می‌سازد، شگفت زده می‌شود.

ج) شخص نبی شناخته شده نیست. در ۱:۱ گفته می‌شود که او پسر فتوئیل است؛ اما

پیامی روشن

علی‌رغم مشکلات مربوط به نگرش ادبی، پیام نبی به روشنی از لابلای این وحی‌ها سر برون می‌آورد. این پیام در قالب دو موضوع بسط می‌یابد که تنگاتنگ به یکدیگر وابسته‌اند: یکی موضوع عاری شدن و وارستگی کامل بشر است به مثابه شرط نجات وی، و دیگری موضوع «روز یهوه» می‌باشد. این دو موضوع دائماً در هم تنیده می‌شود و کلیتی منسجم را پدید می‌آورد، گویی دو روی یک سکه می‌باشد.

«روز یهوه» در هر یک از چهار فصل مورد اشاره قرار گرفته است (ر.ک. ۱:۱۵؛ ۲:۱-۲؛ ۴:۱۴) این چیزی است بیش از فقط یک «روز»؛ عظمتی است در آن واحد وابسته به زمان و مکان که به نوعی به آن شخصیت داده می‌شود؛ هیولایی است همچون چکیده نیرویی غریب، نیرویی کاملاً غیرقابل قیاس، نیرویی که فقط در قالب زبانی ناپسندیده که از فجایع و بلاهای طبیعی یا جنگی خونین به عاریت گرفته شده قابل توصیف است، نیرویی که در مقایسه با نورهای زمینی چیزی جز تاریکی نیست، نیرویی که هجومش هر نوع حیات را از میان برمی‌دارد و ستارگان را خاموش می‌سازد و ظهورش به معنای محکومیت هر آن چیزی است که مدعی قد بر افراشتن در مقابل سرور عالم هستی می‌باشد.

برای انسان، این روز به معنی عاری شدن کامل و از دست دادن همه چیز است؛ نبی این واقعیت را به گونه‌ای خستگی‌ناپذیر به کمک گنجینه‌ای پایان‌ناپذیر از تصاویر توضیح می‌دهد؛ برای مثال، این نیرو به دسته‌حشرات تشبیه می‌شود که کسی را تاب ایستادن در

الهیات پایان سده هفتم و آغاز سده ششم ق.م. مشاهده می‌کنیم، یعنی با الهیات نویسندگان ناشناس کتاب‌های تثنیه و ارمیا و صفنیا. دو فصل اول حاوی هیچ‌گونه اشاره تاریخی مشخص و قابل تحقیق نیست. در فصل ۳، عده‌ای از مفسران آیه ۴ را همچون توصیف خورشیدگرفتگی کامل تلقی می‌کنند، اما طبق نظر ستاره‌شناسان، چنین رویدادی در فلسطین در سال‌های ۱۱۳۰ ق.م. و بعد در ۳۵۷ و ۳۳۶ ق.م. رخ داده است. هیچ‌یک از این داده‌ها مورد قبول تمامی مفسران نمی‌باشد؛ تاریخ اول، نگارش این کتاب را به دوره یوشع و داوران مربوط می‌سازد؛ آن دو تاریخ دیگر نیز به علت نکات زبان‌شناختی، ناممکن به نظر می‌رسد. علاوه بر این، آیه مورد اشاره درباره‌ی یک خورشیدگرفتگی ساده سخن نمی‌گوید، بلکه درباره‌ی فاجعه‌ای جهانی که تاریخ شدن خورشید تنها یکی از عناصر آن است (نیز ر.ک. ۴:۵-۱۶). اما فصل ۴ شامل اشارات تاریخی مشخصی است، که گرچه در مورد تفسیر آنها بحث‌هایی مطرح است، ظاهراً آن را مربوط می‌سازد به قرن هفتم ق.م. یا حداکثر به قرن ششم ق.م.

به عنوان نتیجه، می‌توان گفت که تاریخ نگار باید سرگستگی خود را در مقابل این متن اذعان دارد، متنی که روش‌های ادبی و تاریخی قادر نیست توضیح کاملاً رضایت‌بخشی در موردش ارائه دهد. باید گفت که این متن پیامی را عرضه می‌دارد که باید آن را در بعدی فوق‌زمانی درک کرد، نه در چارچوب زمانی خاص به وجود آمدن متن.

چیز عاری شده، تنها کاری که می تواند بکند، این است که به خدا تسلیم شود و روی فیض الهی حساب کند؛ تنها چیزی که می تواند به خود بگوید، این است: «شاید فکر خود را تغییر دهد و پشیمان شود» (۱۴:۲).

سه وحی مربوط به نجات که در جای جای کتاب یافت می شود (۲:۱۸-۲۷؛ ۳:۵؛ ۴:۱۸-۲۱) به این بشر عاری از همه چیز و توبه کار موجودیتی کاملاً نو شده را اعلام می دارد که وجه مشخصه آن، وفور شگفت انگیزی است که حضور خلاق خدا تأمین می کند (۲:۲۱) با این حال، می توان مشاهده کرد که این وفور فی نفسه هدف نیست، واقعیت اساسی در اطمینانی یافت می شود که به قوم داده می شود، قومی که از این پس به شکلی برگشت ناپذیر به خدا وابسته است و اطمینان دارد که می تواند خداوند را بشناسد (۲:۲۷؛ ۴:۱۷).

بطرس رسول افاضه روح القدس در روز پنطیکاست را در قالب اصطلاحاتی تعبیر می کند که در وهله اول از یوئیل به عاریت می گیرد (اع ۲:۱۷-۲۴؛ ر.ک. یول ۳:۱-۵)؛ بطرس رسول و به همراه او، لوقای انجیل نگار، شهادت می دهند که این عاری شدن و این واژگونی که مقدمه تجربه نجات است و لحظه تعیین کننده آن به شمار می رود، در موجودیت مسیحی تحقق می یابد و باید چنین نیز باشد. این عاری شدن را برای فرد مسیحی و در دل او، روح القدس به عمل می آورد؛ هم او است که شناخت خدا را در وی بر می انگیزد.

برابر آن نیست (۱:۴)؛ هر چه که مطبوع است یا صرفاً برای زندگی ضروری است، از میان می رود، نابود می شود، ویران می گردد، تبدیل به بیابان می شود، تکه تکه می شود، پژمرده می گردد، خشک می شود...؛ مردمان شرمسار و سرخورده می گردند و شادی از میانشان رخت بر می بندد (ر.ک. ۱:۵-۲۰). در فصل دوم، این عاری شدن در اثر لشکری اسرارآمیز و همه جا حاضر پدید می آید که با آتشی ویرانگر احاطه شده و شهرها و خانه ها را فرو می گیرد. کمی بعد، در فصل سوم، به صورت واژگونی ای کامل پدیدار می گردد که هم درونی است و هم بیرونی؛ روح خداوند همه قوای حسی عادی را از میان می برد و جای آنها را می گیرد، و همه انسان ها همچون دیوانگان رفتار می کنند، و عالم هستی صحنه یک رشته عجایب می گردد که آن را دچار هرج و مرج می سازد. و بالاخره در فصل آخر، عاری شدن بشر عمدتاً شکل داوری ای عالمگیر را به خود می گیرد.

مطابق اندیشه نبی، این عاری شدن کامل شرط «بازگشتی» کامل است، توبه ای که فقط مبتنی بر آیین ها نیست - یعنی اشکال بیرونی فرایندی درونی (۱:۱۳-۱۴ و ۲:۱۵-۱۷) بلکه عمدتاً مبتنی است بر جهت گیری نوین تمامی شخصیت انسان (۲:۱۲-۱۴) در جایی دیگر (۳:۵) این بازگشت در اصطلاح «خواندن نام خداوند» خلاصه می گردد، و تصریح می شود که این بازگشت برای آنکه مؤثر باشد، مستلزم برگزیدگی الهی است؛ به این معنا که فقط آنانی از این عاری شدن بنیادین جان سالم به در می برند که خداوند ایشان را «خوانده باشد». انسانی که از همه

کتاب یوئیل

عنوان

۱ کلام یهوه که بر یوئیل پسر فتوئیل فرا رسید.

و آنچه که «یلک» باقی گذاشته،
«هسیل» دریده.

گفتاری خطاب به مشایخ یهودا

۲ گوش دهید، ای سالخوردگان،
و گوش بسپارید، ای تمامی ساکنان
سرزمین!

آیا در روزگار شما چنین چیزی بوده است
یا در روزگار پدران شما؟

۳ آن را برای پسران خود بازگو کنید،

و پسرانتان به پسران خودشان،

و پسران ایشان به نسل بعدی.

۴ آنچه که «گزم^a» باقی گذاشته، «اربه»

دریده،

آنچه که «اربه» باقی گذاشته، «یلک»

دریده،

۲:۲۵؛
تث ۲۸:۳۸؛
عز ۴:۹؛
ملا ۳:۱۱؛
مز ۱۰۵:۳۴-۳۵

توصیف بلا: هجوم حشرات و خشکسالی

۵ ای میگساران، بیدار شوید و بگریید!
ش ۱۱:۵-۱۲
زوزه سر دهید، ای همه شما باده گساران،
به سبب عصاره انگور، زیرا که از دهان
شما دور کرده می شود^b!

۶ چرا که ملتی بر علیه سرزمین من
برآمده،

نیرومند و بی شمار؛

دندان هایش دندان های شیر است^c،

و قلاب - دندان های ماده شیر دارد.

۷ از تاکستان من ویرانه ای ساخته،

و از انجیرستان^d من، خرده نان؛

آنها را بالکل غارت کرده و کوبیده،

شاخه هایشان سفید شده!

ار ۲۳:۴۶

مکا ۸:۹

ش ۱۱:۵-۳؛
نا ۳:۲

a اصطلاحاتی که ما در اینجا عین عبری آنها را ذکر کرده ایم، یا مربوط است به انواع مختلف ملخ یا مراحل مختلف رشد آنها. نام های دیگری نیز در عبری برای این حشره به کار رفته (ر.ک. لاو ۲۲:۱۱؛ اش ۳۳:۴؛ نا ۱۷:۳) که تعیین معنی دقیق آنها میسر نیست. هجوم ملخ بلایی تلقی می شد که از جانب یهوه برای مجازات قوم (تث ۲۸:۳۸؛ ۱-پاد ۸:۳۷؛ ۲-توا ۶:۲۸) یا همچون دشمنان قوم (خروج ۴:۱۰، ۱۲-۱۴؛ مز ۷۸:۴۶؛ ۱۰۵:۳۴) فرستاده می شد.

b نگارنده کسانی را که از بلا آسیب خواهند دید، از نظر می گذراند؛ میگساران (آیه ۵)، کاهنان (آیات ۸-۹) و کشاورزان (آیات ۱۱-۱۲).

c «شیر» و «ماده شیر» ترجمه های سنتی کلمات مترادف عبری است. برخی از دانشمندان معتقدند که کلمه اول در عبری دلالت دارد بر شیر آفریقایی، و کلمه دوم بر شیر آسیایی.

d تاکستان و انجیرستان نمادهای صلح و سعادت بودند (ر.ک. ۱-پاد ۵:۵؛ میک ۴:۴؛ زک ۱۰:۳). نابودی آنها نشانه قطعی مصیبتی قریب الوقوع می باشد.

تمامی درختان مزارع خشک شده^۱.
آری، شادی شرمسار شده و بنی آدم را
ترک گفته است^k.

دعوت به روزه و دعای عمومی

^{۱۳} [پلاس] را بر تن کنید و نوحه سرایی
نمایید، ای کاهنان،

روزه سر دهید، ای خادمان قربانگاه!^{۱۷:۲}
ببایید و شب را بگذرانید، با پلاس بر
تن خویش،

ای خادمان خدای من؛

زیرا در خانه خدای شما

هدیه آردی و هدیه ریختنی مردود شده!^۱

^{۱۴} روزه ای مقدس مقرر دارید^m،^{۱۵:۲}

گردهم آبی پرشکوهی فرا خوانید،

سالخوردگان را گرد آورید،

جمله ساکنان سرزمین راⁿ،

در خانه یهوه، خدایتان،

و به سوی یهوه فریاد برآورید:

^{۱۵} «آه! آه! چه روزی!»

حز ۳-۲:۳۰

^۲ به سان باکره ای که پلاس پوشیده، ناله
سرده،^{۳۱:۳-۳۰:۱}

به سبب شوهر جوانی اش^e.

^۹ هدیه آردی و هدیه ریختنی^f دور شده
از خانه یهوه؛^{۱۳:۱-۱۴:۲}
در عزا هستند کاهنان،^{۲۹:۳۸-۴۲}
خادمان یهوه.^{۲۸:۳-۸}

در عزا هستند کاهنان،

خادمان یهوه.

^{۱۰} مزارع ویران گشته،

زمین در سوگ است؛^{۴:۴}

زیرا که گندم ویران شده؛^{۳:۴}

شراب نو خجل گشته^g،

روغن^h تازه ضایع شده.

^{۱۱} شرمسار شوید ای کشتکاران،

روزه سر دهید ای موکارانⁱ،

به سبب گندم و به سبب جو؛

زیرا حصاد مزارع از میان رفته است!

^{۱۲} تاکستان خجل گشته

و انجیرستان ضایع شده است؛

درختان انار، حتی نخلستان، و درختان

سیب،

^e جامعه رنج دیده به باکره ای تشبیه شده که شوهر خود را از دست داده؛ در اینجا منظور عقدی است شرعی که در آن هنوز طرفین
به هم نیبسته اند (مانند عقد در جامعه سنتی ایران) (ر.ک. تث ۲۳:۲۲ به بعد؛ خروج ۱۵:۲۲).

^f هدیه آردی و هدیه ریختنی شامل آرد و روغن و شراب می شد (ر.ک. آبه ۱۰) شرایط اقتصادی به گونه ای است که حتی نظم
عبادتی نیز از میان می رود.

^g فعل «خجل شدن» در عبری به شکلی است که می تواند «خشک شدن» نیز معنی دهد.

^h این بر شماری مواهب زمین در کتاب مقدس امری است سنتی: پید ۲۷:۲۸؛ اع ۱۸:۱۲؛ تث ۷:۱۳؛ ۳۳:۲۸؛ ۲-پاد ۱۸:۳۲؛
اش ۳۶:۱۷؛ هو ۲:۷، ۲۴؛ یو ۲:۱۹.

ⁱ کلمه «موکاران» را باید در اینجا در معنای گسترده اش مد نظر بگیریم، یعنی تمام کسانی که به کشت درختان میوه اشتغال دارند.
^j نبی به هجوم حشرات، که احتمالاً منظور ملخ است، خشکسالی را نیز می افزاید، این دو بلا اغلب همزمان رخ می داد (ر.ک. عا
۷:۴-۹).

^k در اینجا به شادی شخصیت داده شده. شادی در میان مردمانی که دچار سیه روزی شده اند، دیگر احساس راحتی نمی کند.
ل.ر.ک. توضح آیه ۹.

^m تحت اللفظی: «روزه ای را تقدیس کنید» برای روزه داری، جامه هایی محقر بر تن می کردند، ریش خود را می تراشیدند، بر سر
خود خاکستر می ریختند، و از خوراک و روابط جنسی پرهیز می کردند.

ⁿ قرائت ترجمه یونانی: «سالخوردگان را گرد آورید، ای ساکنان سرزمین» ترجمه ما بر اساس توازی ای صورت گرفته که میان
سالخوردگان و ساکنان سرزمین وجود دارد. برخی نیز این گونه ترجمه کرده اند: «ای سالخوردگان، تمامی ساکنان سرزمین را
گرد آورید».

و شعله^u همه درختان صحرا را سوزانده.
 حتی حیوانات صحراها نیز به سوی تو
 آه می کشند^v،
 زیرا نهرها خشک شده اند
 و آتش، چراگاه های بیابان را از میان
 برده است.

۱:۲
 اش ۱۳:۶
 چرا که نزدیک است روز یهوه^o،
 و به سان ویرانی ای که از «ویرانگر»
 می رسد^p،
 آن فرا می رسد.

و باز خشکسالی

۶ آیا در برابر چشمان ما
 خوراک دور نشده،
 [و نیز] از خانه خدایمان
 شادی و وجد^q؟
 ۷ دانه های غله زیر کلوخ هاشان سخت
 شده^r،

عاش ۱۸-۱۹
 هو ۵:۸
 عا ۳:۶
 حز ۳۳:۳-۴
 مز ۲:۶
فرا رسیدن روز یهوه
 ۲ اکرنا بنوازید در صهیون،
 هشدار دهید در کوه مقدس من!
 بادا که بلرزند جمله ساکنان سرزمین^w،
 زیرا آن فرا می رسد، روز یهوه،
 زیرا آن نزدیک است.
 ۳ روز ظلمات و تاریکی،
 روز ابرها و ابرهای ضخیم تاریک!
 به سان پگاه، بروی کوه ها پخش صف ۱:۱۵
 می شوند
 قومی بی شمار و نیرومند،
 همانند ایشان هرگز نبود،
 و پس از ایشان، مانند آنان دیگر
 نخواهد بود
 تا سالیان دوردست ترین نسل ها.

مخزن ها نابود گشته،
 انبارهای غله ویران شده؛
 زیرا گندم خجل گشته است.
 ۸ چه ناله می کنند احشام!
 گله های گاو و دیوانه شده اند،
 زیرا که چراگاهی ندارند؛
 حتی گله های میش ها قربانی هستند^s.
 ۹ به سوی تو، ای یهوه، فریاد برمی آورم؛
 زیرا آتش چراگاه های بیابان را از میان
 برده
 ۳:۲
 عا ۴:۷

O در خصوص «روز یهوه» ر. ک. مقدمه کتاب و توضیحات عا ۵:۱۸.
P در متن عبری، میان «ویرانی» (به عبری «شد») و «شدای» (نام قدیمی خدا؛ ر. ک. پید ۱:۱۷) بازی کلمات وجود دارد.
Q «شادی و وجد» اصطلاحاتی هستند و که در واژگان آیینی معبد، اغلب در کنار هم به کار می رفتند (ر. ک. مز ۷:۱۴؛ ۹:۱۶؛ ۸:۳۱).
R این آیه ای است دشوار؛ از چهار کلمه عبری آن، سه کلمه آن، در جای دیگری جز این آیه به کار نرفته است.
S مانند بخش های دیگر کتاب مقدس، در اینجا نیز حیوانات در تیره روزی انسان با او شریک اند؛ ر. ک. آیه ۲۰؛ از ۳:۱۴ به بعد؛ یون ۳-۴؛ تث ۱۴:۲۰؛ مز ۱۳۵:۸.
T این دعایی است آیینی که در مزامیر فراوان به کار رفته؛ مز ۱:۲۸؛ ۹:۳۰؛ ۳:۸۶. نبی از طرف مردم سخن می گوید.
U «شعله» نماد ویرانی است ر. ک. عا ۱:۴، ۷، ۱۰، ۱۴؛ ۲:۵.
V حیوانات تشنه، در حالت دعا، به خداوند متوسل می شوند. ر. ک. مز ۲:۴۲؛ ۲۱:۱۰۴؛ ۲۷-۲۸.
W نواختن کرنا که هدفش هشدار دادن است، موجب بروز اضطراب در میان مردم یهودا می شود؛ احتمال دارد که علامت از قله ای به قله دیگر، از اورشلیم تا به آخرین دهکده یهودا، منتقل می شد. کرنا، هیاهو، وحشت (و تزلزل در امور کیهانی، آیه ۱۰) جزئی از توصیفات معمول در تجلیات الهی (تثوقانی) است. ر. ک. خروج ۱۹:۱۶ به بعد؛ مز ۸:۱۰-۱۸؛ حب ۷:۳ به بعد.
 در خصوص «روز یهوه» ر. ک. مقدمه کتاب.

۱۹:۱	۳ پیش روی ایشان، آتش نابود می سازد، در پس ایشان شعله می سوزاند،	راه های خود را در هم نمی آمیزند؛ ⁸ به یکدیگر تنه نمی زنند، هر یک از راه خود می رود؛ از میان تیرها حمله می کنند، پراکنده نمی شوند.
۱۵:۲	سرمین پیش روی آنان همچون باغ عدن ^x است، و در پس ایشان، صحرائی است بائر: چیزی نیست که از ایشان رهایی یابد!	۹ در شهر هجوم می آورند، بر روی حصارها می دوند، به خانه ها بر می آیند، مانند دزدان از پنجره وارد می شوند.
مکا:۷-۹	۴ جلوه ایشان همچون جلوه اسبان است؛ همچون اسب سواران، این چنین است که می دوند.	۱۰ در برابر او ^d زمین می لرزد، آسمان ها به لرزه درآمده اند، خورشید و ماه به تاریکی گراییده اند و ستارگان روشنی خود را باز ستانده اند.
	۵ همچون صدای ارا به ها است که گویی بر فراز قله های کوه ها می جهد، همچون صدای شعله ای فروزان که گاه را از میان می برد، همچون قومی نیرومند ^z که برای رزم صف آرایبی کرده اند.	۱۱ و بیهوه در پیشاپیش لشکرش ندا داده است: زیرا که بسیار بزرگ است اردوگاه او، زیرا که نیرومند است اجرا کننده کلام او ^e .
اش:۱۳	۶ به سبب او قوم ها ^a می لرزند، همه رخسارها رنگ باخته اند ^b .	زیرا که عظیم است روز بیهوه، و بس هولناک، و چه کس را تاب آن خواهد بود؟
نا:۲۱	۷ همچون شجاعان می دوند، همچون مردمان جنگی از حصارها بالا می روند، هر یک به راه های خود می روند،	۱۰:۳ مکا:۶-۱۷ ار:۱۰-۱۱ ملا:۲-۳

X. ر. ک. پید ۸:۲ به بعد: حز ۳۶:۳۵؛ اش ۳:۵۱. در دو بخش اخیر، از این تصویر برای توصیف مکانی بسیار آباد استفاده شده است.

Y در این آیه و آیات بعدی، توصیف «روز بیهوه» یادآور هجوم ملخ ها می باشد (ر. ک. ۴:۱).

Z صدای ارا به، سر و صدای آتش، و لشکر نیرومند، استعاره هایی هستند که وقتی به توصیفات مسافران قدیم و جدید در مورد هجوم ملخ توجه می کنیم، چندان اغراق آمیز به نظر نمی آیند.

a منظور یا ملت ها (که با چارچوب معادشناختی این متن سازگارتر می نماید)، یا مردمان فلسطینی که در تماس مستقیم با هجوم ملخ ها قرار داشتند.

b می توان ترجمه کرد: «همه رخسارها سرخ شده اند» یا «کبود شده اند».

c تحت اللفظی: «روی راه خود».

d یعنی در برابر لشکر مهاجم و فاتح.

e فاتحانی که خداوند خود را در رأس آنان قرار می دهد، عاملان اجرای اراده او می باشند.

دعوت به توبه

۱۲ و باز اینک

- وحی یهوه -

با تمامی دل f به من بازگشت کنید، یون:۳:۵

با روزه ها و گریه ها و مرثیه ها g. اش:۲۲:۱۲

۱۳ دل های خود را چاک بزنید، نه

جامه های خود را،

و به سوی یهوه، خدایتان بازگشت

کنید h؛

چرا که او دلسوز و رحیم است،

در خشم گند و در وفاداری غنی،

و از بدی پشیمان می شود i.

۱۴ که می داند، شاید فکر خود را تغییر

دهد و پشیمان شود j.

و پس از خود برکتی در جای نههه k:

هدیه آردی و هدیه ریختنی ۱۳،۹:۱

برای یهوه خدای شما؟

۱۶ قوم را گرد آورید،
جماعت را فرا خوانید،
سالخوردگان را جمع کنید،
کودکان را گرد آورید،
و شیرخوارگان پستان ها را؛
باشد که تازه داماد حجره خود را ترک
کند

و عروس حجه خود را l.

۱۷ باشد که میان رواق m و قربانگاه

بگریند کاهنان، خادمان یهوه،

و بگویند: «ای یهوه، قوم خود را

رستگار ساز،

میراث خود را به ننگ مسپار

مبادا قصه ای شوند برای ملت ها؛

به چه سبب در میان قوم ها بگویند:

مز:۷۹:۱۰

«کجا است خدای ایشان؟»

پاسخ خداوند: اجابت دعا؛

نابودی فاتح و برکات زمینی

۱۸ یهوه را حسادت فرا گرفته برای

زمینش n،

بر قومش شفقت داشته است.

دعوت به روزه و استغاثه

۱۵ در صهیون کرنا بنوازید،

روزه ای مقدس مقرر دارید،

گردهم آیی پرشکوهی فرا خوانید؛

f بازگشت باید آگاهانه و کامل باشد. در واقع، دل بر انسانی دلالت دارد که می اندیشد و تصمیم خود را با آگاهی کامل از موضوع اتخاذ می کند.

g در خصوص آداب و رسوم روزه، ر.ک. توضیحات ۱:۱۴.

h نگارنده با قدرت به آیین هایی حمله می کند که چون با بازگشت کامل دل همراه نیست، ناپسند می نماید.

i این خلاصه ای است از ایمان اسرائیل در خصوص خدای عهد؛ در اینجا خصوصیات بنیادین این خدا بر شمره شده است. ر.ک.

خروج ۳۴:۶؛ مز ۸۶:۱۵؛ ۱۰۳:۸؛ ۱۴۵:۸؛ یون ۴:۲؛ نح ۹:۱۷.

j گفتارهایی در خصوص پشیمانی خداوند را می توان در خروج ۳۲:۱۴-۲- سمو ۱۲:۲۲؛ و یون ۳:۹ نیز یافت.

k «برکت» در کتاب مقدس عمدتاً مشتمل است بر وفور مواهب مادی. ر.ک. یول ۲:۱۹-۲۷؛ تث ۷:۱۳-۱۵؛ ۲۸:۱-۱۳.

l اسرائیلیان هر هر سنی برای آیین عبادت به معبد فرا خوانده می شوند، از سالخوردگان گرفته تا شیرخوارگان؛ حتی کسانی که تازه ازدواج کرده اند نیز مستثنی نمی شوند، حال آنکه شریعت برای آنان امتیاز خاصی قائل شده است. ر.ک. تث ۷:۲۰؛ ۲۴:۵.

m رواق، نخستین بخش از بخش های سه گانه معبد است. به غیر از یوئیل، تنها بخشی که در آن به فضای میان رواق و قربانگاه اشاره شده، حزق ۸:۱۶ می باشد. ر.ک. مت ۲۳:۳۵؛ لو ۱۱:۵۱.

n وقتی گفته می شود که خداوند برای قومش دچار حسادت شده، منظور این است که با اشتیاقی که مشخصه عشقی رجحان آمیز است، از ایشان مراقبت به عمل می آورد.

^{۱۹} یهوه پاسخ داده، به قوم خویش گفته:

اینک برایتان می فرستم

گندم و شراب نو و روغن تازه را؛

از آن سیر خواهید شد،

و دیگر در میان قوم ها

از شما ننگ نخواهم ساخت.

^{۲۰} او که از شمال می آید^o، او را از شما

دور خواهم ساخت،

او را به سوی سرزمین خشک و بائر

خواهم راند،

پیش قراولانش را به سوی دریای

شرقی^p،

پس قراولانش را به سوی دریای غربی^q،

از آنجا گنبدگی بر خواهد آمد،

از آنجا تعفن بر خواهد آمد،

چرا که کارهای بزرگ کرده است!^r

^{۲۱} ای زمین، مترس،

وجد نما و شادی کن،

زیرا یهوه کارهای عظیم کرده است.

^{۲۲} مهرا سید، ای حیوانات صحراها،

زیرا چراگاه های صحرا بار دیگر سبز

شده،

زیرا درخت، میوه خود را آورده،

درختان انجیر و موثروت خود را

داده اند.

^{۲۳} و شما، ای پسران صهیون، وجد

نمایید

و در یهوه، خدای خود شادی کنید؛

زیرا باران پاییزی را بر حسب عدالت^s به

شما داده،

بر شما رگبار را فرود آورده،

باران پاییزی و باران بهاری را،

همچون گذشته^t.

^{۲۴} مزارع از گندم آکنده خواهد شد،

خمره ها لبریز خواهند شد از شراب نو و

روغن تازه.

^{۲۵} جبران خواهم کرد^u برای شما خسران

آن سال ها را

که «ارابه» و «یلک» دریده اند، ^{۴:۱}

«هسیل» و «گزم»،

لشکر عظیم من

که بر علیه شما فرستاده بودم.

^{۲۶} خواهیم خورد و سیر خواهید شد،

و نام یهوه، خدای خود را خواهید ستود،

^o شما برای مردم اسرائیل منطقه ای اسرار آمیز بود؛ مصیبت همواره از شمال می آید (ار ۱۴:۱؛ ۴:۶؛ ۱:۶). «او که از شمال می آید» اشاره ای است یا به حشراتی که در قالب اصطلاحات مربوط به جنگاوران توصیف شده اند، یا به لشکر مکاشفه ای خداوند.

^p منظور دریای مرده است.

^q منظور دریای مدیترانه است. ر.ک. زک ۸:۱۴.

^r این مصرع می تواند توضیحی باشد که از آیه بعدی الهام یافته است.

^s بعضی نیز این چنین ترجمه می کنند: «باران پاییزی را به میزان درست به شما داده». «بر حسب عدالت» منظور عدالت الهی است، مطابق عهد او. اما شاید بهتر باشد در اینجا اشاره ای مشاهده کنیم به بارانی که می تواند نجات بخشد (ر.ک. توضیحات اش ۶:۹) برخی از ترجمه های قدیمی (سریانی، آرامی، وولگات) چنین ترجمه کرده اند: «بر حسب ارباب عدالت» و عده ای از مفسران امروزی این تعبیر را پذیرفته اند. جامعهٔ اسنی های قمران نیز این اصطلاح را در معنای انفرادی تفسیر کرده اند که منشاء عنوان «معلم عدالت» است، یعنی مهم ترین شخصیت این فرقه.

^t ترجمهٔ ما مبتنی است بر ترجمه های قدیمی. قرائت عبری: «در وهلهٔ اول».

^u منظور تغییر بنیادین وضعیتی است که در ۴:۱ توصیف شده است.

هم او که در میان شما عجایب به عمل خواهد آورد،
و قوم من دیگر هرگز شرمسار نخواهد شد!
۲۷ و خواهید دانست که من در میان اسرائیل می باشم،
و من یهوه، خدای شما می باشم و خدای دیگری نیست^۷،
و قوم من دیگر هرگز شرمسار نخواهند شد!

خرو: ۱۸:۸
اعد: ۱۴:۱۴
اش: ۱۲:۶
جز: ۳۷:۲۸
۳۵:۴۸
تث: ۳۹:۳۵
۱-۸۱:۶۰
اش: ۴۵:۵، ۶:۱۴
۲۲:۲۱
۹:۴۶

۳ در آسمان و بر زمین عجایب به عمل خواهم آورد:
خون، آتش، ستون های دود:
۴ خورشید تبدیل به ظلمات خواهد شد
و ماه به خون،
پیش از آنکه بیاید روز یهوه،
[روز] عظیم و هولناک؛
۵ و آنگاه هر که نام یهوه را بخواند،
نجات خواهد یافت،
زیرا در کوه صهیون و در اورشلیم
رهایی یافتگان خواهند بود،
بر حسب آنچه که یهوه گفته است،
و در میان آنان که جان سالم به در
برده اند، کسانی خواهند بود که یهوه
می خواند^x.

۱۰:۲
اش: ۱۳:۱۰
عا: ۹:۸
حب: ۳-۱۲
مکا: ۶:۱۲
۱۱:۲
روم: ۱۰:۱۳
اع: ۲۱:۴

عوا: ۱۷:۴
اش: ۲:۴
۱۰:۲۰
ار: ۴۲:۱۷

زیر و زبر شدن معادشناختی:
فروریزی روح خدا، نشانه ها و
عجایب، نجات به واسطه
استعانت از خدا^w

۳^۱ واقع خواهد شد، پس از این، که
روح خود را بر هر بشری فرو خواهم
ریخت:
پسران و دختران شما نبوت خواهند کرد،
سالخوردگان شما خواب ها خواهند دید،
و جوانان رؤیاها؛
۲ و حتی بر بردگان - مرد و زن،
در آن روزها، روح خود را فرو خواهم
ریخت.

اعد: ۱۱:۲۵-۳۰
اش: ۳۲:۱۵
۳:۳۴
۲۱:۵۹
جز: ۳۶:۲۷
۲۹:۳۹

اش: ۴۰:۵
۲۶:۴۹
اعد: ۶:۱۲
تث: ۱۳:۲-۶

۴ خداوند ملت ها را داوری می کند
زیرا اینک در آن روزها و در آن
زمان،
آن گاه که تقدیر یهودا و اورشلیم را تغییر
دهم^y،
۲ تمامی ملت ها را گرد خواهم آورد
و ایشان را به وادی یهوشافاط^z فرود
خواهم آورد؛
۳۵:۲ار

۷ این پیام که بسط موضوع فرمان اول است، در کانون نبوت اشعیاوی دوم قرار دارد (ر.ک. اش ۴۵:۵-۶، ۲۱-۲۵ و غیره).
۸ این بخش در روایت روز پنطیکاست در عهد جدید نقل قول شده است (اع ۲). اما باید توجه داشت که در کتاب یوئیل، نبوت مربوط به فرو ریزش روح خدا خصوصیتی بیشتر اضطراب انگیز دارد؛ «نبوت کردن» به معنی رفتاری است خارق العاده و از دست دادن مهار خویشتن، و عمل کردن تحت قدرت مقاومت ناپذیر خداوند. همگان، مرد و زن، سالخورده و طفل، ارباب و برده، دچار سرسامی شدید خواهند شد (آیات ۱-۲). به علاوه، کل عالم هستی زیر ضربات کوبنده آتش و خون و ظلمت فرو خواهد باشد (آیات ۳-۴) فقط کسانی نجات خواهند یافت که نام خداوند را بخوانند (آیه ۵).
۹ عده ای از مترجمان، با جابه جایی یک عبارت، چنین ترجمه ای به دست می دهند: «بر روی کوه صهیون رهایی یافتگانی خواهند بود، چنان که خداوند آن را گفته است، و در اورشلیم، در میان آنانی که جان سالم به در برده اند و خداوند ایشان را می خواند».
۱۰ ترجمه های قدیمی چنین استنباط کرده اند: «آن گاه که اسیران یهودا و اورشلیم را باز آورم».
۱۱ این محل را نباید روی نقشه جستجو کرد؛ این وادی ای است تخیلی و مکاشفه ای؛ محلی است که خداوند از آنجا داوری خود را به عمل خواهد آورد.

در آنجا با ایشان وارد داوری خواهم شد
 درباره قوم خود و میراث خویش،
 اسرائیل،
 که آنان را در میان ملت‌ها پراکنده
 ساخته‌اند،
 در همان حال که سرزمین مرا تقسیم
 می‌کردند،
^۲ و بر قوم من قرعه می‌انداختند،
 پسر جوان را با فاحشه‌ای مبادله
 می‌کردند
 و دختر جوان را می‌فروختند به شرابی که
 می‌نوشیدند.
^۳ و شما نیز، ای صور و صیدون، از من
 چه می‌خواهید،
 و تمامی نواحی فلسطین؟
 آیا می‌خواهید بر علیه من انتقام به کار
 ببرید؟
 اگر بر علیه من انتقام به کار ببرید،
 خیلی زود انتقام‌های شما را بر سر شما
 باز خواهم افکند،
^۴ شما که نقره و طلای مرا گرفته‌اید،
 و گرانبهارترین اشیای مرا به معابد خود
 برده‌اید،

^۵ و پسران یهودا و پسران اورشلیم را به
 پسران یاوانی‌ها^۶ فروخته‌اید،
 تا ایشان را از سرزمینشان دور سازید.
^۷ اینک من ایشان را از مکانی که شما
 آنان را فروخته‌اید بر خواهم انگيخت،
 و انتقام‌های شما را بر سر خودتان باز
 خواهم افکند.
^۸ پسران و دختران شما را به دست پسران
 یهودا خواهم فروخت،
 و ایشان آنان را به سیائیان^b خواهند
 فروخت،
 به ملتی در دور دست‌ها،
 زیرا که یهوه سخن گفته است.

نبرد و داوری
 زک ۱۴

^۹ این را در میان ملت‌ها فریاد زنید:
 به گونه‌ای مقدس وارد نبرد شوید^c،
 شجاعان را بیدار کنید؛
 بادا که پیش بروند و بر آیند
 تمامی جنگاوران.
^{۱۰} از خیش‌های خود با آهنگری تیغ‌ها
 بسازید،
 و از داس‌های خود، سر نیزه^d؛

a تعیین تاریخ این جنایات دشوار است. حزقیال به یواوان اشاره می‌کند که با صور انسان معامله می‌کند (حزق ۲۷:۱۳). یوئیل فلسطینیان را نیز در این جرم شریک می‌سازد. قبلاً نیز عاموس غزه را به همین جنایت متهم کرده بود (۱-۶:۱۰). ایشان به ادوم برده تحویل می‌دادند. همین رسم در زمان مکابیان نیز وجود داشت (۱-۳:۴۱؛ ۲-۸:۱۰). «یاوان» در وهله اول به منطقه ایونی اشاره دارد، و در معنای گسترده‌تر، به تمام یونان؛ ر.ک. پید ۱۰:۲.

b «سیائیان» اقوامی در جنوب عربستان بودند که ثروتشان در ادویه و طلا و سنگ‌های گران قیمت بود. ر.ک. ۱-۱۰:۱۰؛ اش ۶:۶۶؛ ار ۶:۲۰. مطابق حزق ۲۷:۲۲، سبا با صور معاملاتی انجام می‌دهد.

c ترجمه‌های محتمل دیگر: «خود را برای جنگ تقدیس کنید» یا «برای جنگ مقدس مهیا شوید». جنگ امری «مقدس» به شمار می‌آمد و افراد می‌بایست با رعایت مقرراتی دقیق برای آن آماده می‌شدند، خصوصاً با پرهیز از امور جنسی. ر.ک. ۱-سمو ۷:۸-۹؛ ۲۱:۶. سربازان نیز «وقف شدگان» خوانده می‌شدند (اش ۱۳:۳).

d همین اصطلاحات در اش ۲:۴ و مک ۳:۴ به کار رفته، اما در معنایی متضاد، در اینجا، نبوت در مورد صلح در زمان‌های آخر وارونه شده و ابزارهایی که نماد صلح است، به ابزارهای جنگ تبدیل شده‌اند.

۱۵ خورشید و ماه به تاریکی گراییده اند. ۱۰:۲
و ستارگان روشنایی خود را پس
کشیده اند.
۱۶ یهوه از صهیون می گرد،
و از اورشلیم صدا می دهد؛
آسمان و زمین به لرزه آمده اند.
اما یهوه برای قوم خویش ملجأ است،
پناهگاهی برای بنی اسرائیل.
۱۷ و خواهید دانست که من یهوه هستم،
خدای شما،
که در صهیون ساکنم، در کوه مقدسم.
اورشلیم مکانی مقدس خواهد بود.
و بیگانگان از آن عبور نخواهند کرد.

عصر بهشتی و احیای اسرائیل

۱۸ در آن روز واقع خواهد شد
که کوه ها عصاره انگور خواهند چکاند
و تپه ها شیر جاری خواهند ساخت،
و تمامی سیلاب های یهودا
آب جاری خواهند ساخت؛
چشمه ای از خانه یهوه بیرون خواهد آمد^۱
اش ۲۵:۳۰ زک ۱۱:۱۳
۸:۱۴

علیل بگوید: شجاع هستم!
۱۱ بشتابید و بیایید،
ای تمامی ملت های اطراف،
و در آنجا گرد آیید؛
ای یهوه، شجاعان خود را نازل کن^f!
۱۲ بادا که سر بر آورند و بر آیند،
ملت ها،
در وادی یهوشافاط^g،
زیرا در آنجا است که جلوس خواهیم کرد
تا داوری کنم
تمامی ملت های اطراف را.
۱۳ داس را به کار برید^h،
چرا که حصاد رسیده است؛
بیایید و لگدمال کنید،
چرا که چرخشت پر است
و خمره ها لبریز،
چرا که عظیم است شرارت ایشان!
۱۴ انبوه مردم، انبوه مردم،
در «وادی تصمیم»ⁱ!
زیرا که آن نزدیک است، روز یهوه،
در «وادی تصمیم»!

مر ۲۹:۴
مکا ۱۴:۱۴-۲۰

e این فعل فقط در اینجا به کار رفته. ترجمه یونانی چنین قرائت می کند: «گرد آیید» اما این ترجمه با توجه به معنای عبری، قابل توجیه نیست. برخی با توجه به ریشه عربی کلمه، چنین ترجمه کرده اند: «به کمک بشتابید». ترجمه ما با داخل کردن اصلاحی اندک صورت گرفته است.
f احتمالاً منظور فرشتگان است.
g به توضیحات Z در بالا مراجعه کنید.
h داوری ملت ها همزمان تشبیه شده به حصادی که آماده بردن است و انگورهایی که آماده لگدمال شدن است.
i می توان «وادی کوبیدن» نیز ترجمه کرد، زیرا کلمه عبری می تواند به ابزاری دلالت کند که برای کوبیدن گندم به کار می رفت (ر.ک. عا ۳:۱ ایوب ۲۲:۴۱) این مفهوم با تصویر حصاد سازگارتر است (آیه ۱۳). همچنین می توان تصور کرد که نبی با هر دو دلالت این اصطلاح بازی می کند.
j قداست و مصونیت قدس به مجموع شهر مقدس تعمیم داده شده است: همچنین ر.ک. زک ۸:۹.
k یهودا که مورد تفقد قرار گرفته و احیا شده، وفور عصاره انگور و شیر و آب زنده را تجربه خواهد کرد؛ اینها مواهب زمان های آخر است: ر.ک. عا ۱۳:۹.
l ر.ک. مز ۴۶:۵؛ حزق ۴۷:۱ به بعد.

۲۰ اما یهودا برای همیشه مسکون خواهد
 شد،
 و اورشلیم نسل اندر نسل.
 ۲۱ برای خون ایشان انتقام خواهم گرفت،
 آن را بدون مجازات نخواهم گذارد؛
 و یهوه در صهیون ساکن می شود.

و دره شطیم^m را آبیاری خواهد کرد.
 ۱۹ مصر تبدیل به ویرانه خواهد شد؛
 ادومⁿ به صحرائی باثر بدل خواهد گشت،
 به سبب خشونتی که بر علیه پسران یهودا
 [اعمال شده است]،
 که خون بی گناه ایشان را در سرزمینشان
 ریخته اند.

m یا «وادی افاقیا» محل این مکان مورد بحث است. در این زمینه، مناطق امروزی ذیل پیشنهاد شده: «وادی النار» واقع در بخش سفلی وادی قدرون؛ «وادی السنط» واقع در غرب بیت لحم؛ و نیز «وادی شطیم (اقاقیا)» (اعد ۱:۲۵؛ یوشع ۱:۲) در سرزمین موآب.

n شاید اشاره ای است به لشکرکشی های مصر در پایان سده هفتم ق.م؛ مصر به خاطر ویران کردن یهودا، به نوبه خود ویران خواهد شد. ادوم دشمن دائمی اسرائیلیان بود.
 o تحت اللفظی: «خونشان را بی گناه خواهم ساخت؛ آری، آن را بی گناه خواهم ساخت».